

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

اکبر تک دهقان  
۲۰۰۹ دی [جدی] ۱۳۸۸ - ۲۳ دسامبر ۲۰۰۹

## محکومیت تهاجم به شهروندان مسیحی

خلاصی از اسلام و هویت یابی سنتی با مسیحیت، حق دموکراتیک شهروندان است. هویت سنتی اسلامی، حامل کمترین ظرفیتی برای جذب ارزشهای انسانی، رشد فرد و جامعه نیست.

مأموران رژیم اسلامی در اقدامی وحشیانه، به محل برگزاری جشن و تجمع ساده شهروندان مسیحی در کرج حمله کرده، دو نفر از مسؤولین گردهم آبی آستانه سال نو میلادی را، بازداشت کرده اند. ایلغار درندگان و "جوندگان" ولی فقیه، بدون هرگونه اخطار و اطلاع قبلی، در روز پنجشنبه ۲۷ آذر [قوس] - ۱۷ دسمبر، رخ داده است. در این تهاجم تروریستی، ۱۵ نفر از عناصر پاسدار و لباس شخصی شرکت داشته، دست به ارباب و دستگیری مردم زده اند. کلیه کتابها و برخی دیگر از وسایل شخصی این کلیسای خانگی به غارت رفته، علاوه بر آن، از ۷۰ نفر حاضران مراسم عکس برداری شده، باید به بیدادگاه این رژیم مراجعه کنند.\* ۱

سلطه رژیم اسلامی، این بختک غیرقابل تحمل، که برسینه مردم این کشور سنگینی میکند، نه فقط مظهر دیکتاتوری تروریستی آخوندها و بازاریان، بلکه تجسم رژیم مطلقه مذهب اسلام نیز هست. حکومت اسلامی حتی افراطی تر از دسته راهزن محمد تاجر در عهد عتیق رفتار کرده، کمترین حقی را برای شهروندان غیر اسلامی و غیرشیعی قائل نیست. در کشوری که باورهای غیر اسلامی و غیرشیعه، بخشی از سنتهای بر جای مانده از گذشته است، یک رژیم افراطی شیعه، حقی در هیچ سطحی، حتی برگزاری یک جشن خانگی را به رسمیت نمیشناسد. به راستی دلیل اینهمه سرکوبگری، که ابتدایی ترین حقوق انسان را هدف گرفته است، چیست؟

حکومت اسلامی، نه فقط با مخالفین خود، بلکه با ارزشهای انسانی اولیه هم، خصومت دارد. در قاموس اسلام و رژیم بربرمنش آن، انسان برده ای بیش نیست، و نباید حقوقی بیش از یک برده هم شامل حال او شود.\* ۱ حکومت اسلامی خلاف تحلیل یکسره غرض ورزانه سلطنت طلبان، نه به دلیل مذهبی بودن مردم، بلکه به دلیل فاصله گرفتن مردم ایران از مذهب، در این کشور سر بر آورد. رژیم اسلامی، مجازات بیرحمانه مردم ایران، و "مکافات" اسلامی ترقی خواهی غیرمذهبی جامعه ایران است، که از اواسط قرن نوزدهم، به ویژه با انقلاب مشروطیت، به سمت گیری اصلی تحولات اجتماعی جامعه ایران تبدیل گشته بود. قائل شدن کمترین حقی برای رشد و ترقی، از جمله حق داشتن عقاید غیراسلامی و زندگی علنی با آن، به هیچوجه در چهارچوب چنین مذهبی نمی گنجد.

تبهکاری رژیم اسلامی در تحمیل اینهمه بی حقوقی به مردم ایران، یک طرف واقعیت زشت حاکم است، طرف دیگر آن، سکوت تأیید آمیز این نحوست از سوی روشنفکران دینی و لیبرال این جامعه است. این گروه از روشنفکران، که نظیر همان آخوند وحشی، لکه ننگ بزرگ این جامعه هستند، تاکنون به هیچ یک از جنایات مشخص حکومتی- که مثلاً اپوزیسیون آن هستند- اعتراضی نکرده اند. آنها فقط تحت شرایط مبارزه توده ئی کنونی، برای عقب نماندن از دانشجویان، کلی گویی کرده، از کاهش سهم خود در سلطه گری بر این مردم اسیر و گروگان نالیده اند. حتی عناصر " سبز" آنان در میان دانشجویان، فضاء را برای طرح روشن و مشخص جنایات رژیم محدود ساخته اند- طوری که به ندرت، کسی به سمت طرح مشخص تبهکاریهای این باند آدمکش می‌رود.

مسیحیان ایران، بایستی به سهم خود در مبارزه همگانی برای برچیدن این رژیم جنایتکار بیفزایند. شهروندان مسیحی، به مثابه بخشی فعال از جنبش ترقیخواهی در صد سال اخیر، در فرای سرنگونی این رژیم خون آشام، نه فقط وسیعاً از همه حقوق شخصی و اجتماعی برخوردار خواهند گشت، بلکه در یک ایران آزاد، به بخشی از نظام تصمیم گیریهای کلیدی در همه حوزه های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی تعلق داشته، نقشی شایسته توانایی ها و علائق خود، کسب خواهند کرد. شهروندان مسیحی، نباید از حق خود مبنی بر تبلیغات مذهبی مسیحی، و کمک به مردم اسلام زده کشور برای خروج از این دین توحش و ضد زندگی، عقب بنشینند. آنها میتوانند، مردم عاصی از دین ریاکاری و بربریت اسلامی را با روی باز پذیرفته، در میان خود و با حقوق برابر، جایی برای آنها باز کنند. این نیز به سهم خود، تلاشی آزادیخواهانه، در مبارزه برای استقرار یک نظام دموکراتیک و شایسته انسان در این کشور است.

توضیحات

\* ۱- در سالهای پس از شکست انقلاب بهمن، یکی از آخوندهای رژیم در روزنامه اطلاعات، در ستونی در سمت چپ یکی از صفحات آن، مطالبی در رابطه با اسلام می نوشت. او در چندین شماره، روش خرید و فروش برده و یا آزاد شدن برده را توضیح میدهد. به این ترتیب که یک برده، تحت چه شرایطی میتواند، با پرداخت پولی به صاحب خود، آزاد شود! البته نوشته آخوند مزبور، نه ذکر تاریخ گذشته، بلکه ارائه راه حل برای شرایط کنونی جامعه بود! یک نشریه خارج از کشوری وابسته به سازمان مجاهدین، طی مطلبی به این موضوع اشاره کرده بود. نگارنده، دارای امکان ذکر تاریخ و منبع دقیق آن نیست.

## یادداشت:

ضمن ابراز احترام عمیق به مردم ایران و همبستگی کامل با نیروهای آزادیخواه و مترقی آن کشور تذکر نکات آتی که مبین مواضع پورتال "افغانستان آزاد- آزاد افغانستان" می باشند، الزام آور است:

۱- ما ضمن آنکه به مبارزه ایدئولوژیک ارج گذاشته و صفحه "مسائل ایدئولوژیک" را به همین منظور باز نموده ایم، همانطوری که در اهداف نشراتی ما نیز تذکار یافته به شدت مخالف خلط بحث ایدئولوژیک با فحاشی و اهانت به این ویا آن فرد و یا یک ایدئولوژی می باشیم. چه تا جائیکه تاریخ تجارب گذشته انسانی نشان داده، آنچنان فحاشی ها

به جای روشنگری عالمانه و خردمندانه، به غیر از آن که مورد استفاده دشمن قرار گرفته و باعث امتناع توده ها از پذیرش عقاید علمی و سالم گردد؛ نتیجه دیگری به ارمغان نیاورده و نخواهد آورد.

۲- این درست است که رژیم ولایت فقیه با سنگر گرفتن در عقب به اصطلاح "تشیع علوی" و یا به گفته خودشان "سبز علوی" به قلع و قمع مردم ایران پرداخته و تمام جنایات خویش را پوشش مذهبی می دهند، مگر اینکه آن خصومت را در کل زاده تشیع و در دفاع از آن بدانیم، به علاوه آنکه چه خواهیم و چه هم نخواهیم محتوای طبقاتی خیزش زحمتکشان ایران را که برای دنیای بهتری می خواهند مبارزه نمایند در گرو مذهب برده، به نفاق و شقاق مذهبی نیز دامن خواهیم زد.

۳- با یک دید گذرا می شود به وضاحت دید که رژیم ولایت فقیه هیچ نیروی مخالفی را تحمل نمی نماید، چه آن نیرو شیعه باشد و یا سنی و یا کدام دین و مذهب دیگر. چنانچه همین امروز سرکوب خونین مراسم فاتحه داری یک تن از "آیت الله" های شان در شهر اصفهان خوبترین دلیل برای اثبات این ادعا می باشد. تا جائیکه ما می دانیم گردانندگان اصلی ایران یعنی دارنگان و مالکان سرمایه بزرگ و کمپرادور وابسته به غرب جامعه را چنان ملیتاریزه نموده و در صدد تشدید آن اند، که اگر شخص "محمد" یا سیزده "معصوم" دیگرش هم در بازار توپخانه حاضر شده و "جبرئیل" هم به اصالت آنها صحه گذارد، دگانداران دین بر آنها هجوم برده همه را سر خواهد برید. آنها در مقطع کنونی اسلام را به مثابه ابزاری در خدمت خود قرار داده و می توانند با یک چرخش و دور انداختن "اسلام" و نمایندگان سیاسی آن "آخذ" باز هم زیر یک نام دیگر به همین سیاست ضد انسانی خویش ادامه دهند. در نتیجه به نظر ما حاکمیت فعلی را از محتوای سیاسی و طبقاتی آن تهی کردن و صرف مهر اسلام را به آن زدن هیچ دردی را دوا نمی نماید.

۴- باز هم ضمن آنکه به حق داشتن و یا نداشتن مذهب از هر نوعی که باشد، سخت احترام قایل بوده و حاضریم به خاطر آزادی عقیده از هیچ کوششی دریغ نوزیم، با صراحت ابراز می داریم که نقش مذهب در طول تاریخ اعم از مسیحیت، اسلام، یهود، هندوئیسم، بودیزم و ... همین بوده که هست و هیچ گاهی اسباب خیر و صلاح یک جامعه را فراهم ننموده و در آینده نیز نخواهد توانست فراهم نماید. در نتیجه با چنان درکی که عیسویت را با آنکه در زمان خودش در معابر به سوختاندن انسانها به جرم عدم اطاعت از دید کلیسا دست یازیده است؛ مدافع آزادی تبلیغ نمائیم، عدم موافقت خویش را ابراز داشته با صراحت تذکر می دهیم که با چنین طرز دیدی نمی توان مردم "مذهب زده" ایران را از زیر یوغ این افیون دهشتناک بیرون آورد.

۵- از آن جایی که ابراز نظر در قبال مسایل ایران را در قدم اول حق و وظیفه نیروهای آزادیخواه، انقلابی و متعهد ایرانی می دانیم چه ما را باور بر آن است "همانجائی می سوزد که آتش بالایش افتاده باشد"، تذکرات خویش را بیشتر به مثابه مشوره های دوستانه ابراز داشتیم بدون آنکه قصد مداخله در امور آنجا را داشته باشیم. امید است مردم ایران و در پیشاپیش آنها نیروهای انقلابی و آزادیخواه ایران قادر شوند، این نظام را که می شود به آن "تنگ انسانیت" نام گذاشت، از پیش پای خویش برداشته، زمینه ایجاد یک ایران آزاد، شگوف و سربلند را پی بریزند. تا باشد مردم افغانستان در مبارزه دوران ساز شان علیه اشغالگران امپریالیستی و اسلام سیاسی حد اقل از یک جانب خاطر آسوده به پیکار پر عظمت شان ادامه دهند.

به امید پیروزی مردم سراسر جهان در پیکار شان علیه امپریالیسم و ایادی بومی آنها

اداره پورتال AA-AA